

ابراهیم مکی ، نمایشنامه نویس و کارگردان فرهیخته ی تئاتر ایران

نیلوفر بیضایی

برگزاری بزرگداشت اهل اندیشه و هنر در دوران حیات ، در روزگاری که زندگان و تلاشگران فرهنگ و هنر و اندیشه ی کشورمان ایران، در اثر تنگ نظری و انحصار طلبی و ضدیت ماهوی حکام اسلامی با پدیده ی فرهنگ بمعنای سازنده و پویا و فرا ایدئولوژیک آن ، از صحنه ی عمل و توان حرکت ، باز داشته می شوند ، یادآور این واقعیت است که رد پای هنر و فرهنگ ، علیرغم حذف دوره ای، باقی می ماند.

ابراهیم مکی ، یکی از نمایشنامه نویسان، محققین و استادان تئاتر ایران است که تاریخ نویسی تئاتر ایران ، هر چند دچار تحریف و کوتاه بینی های مرسوم زمانه باشد ، نمی تواند حضور او را نادیده بگیرد. نمایشنامه های آقای مکی ، بازتاب دهنده ی سر درگمی و بیگانگی انسان درگیر در روابط و ضوابط یک جامعه ی دیکتاتور پرور است . زبان ساده ی آثار مکی در بسیاری از موارد موفق می شود که پیچیدگیهای شرایط را ملموس تر به مخاطب منتقل کند.

یکی از ویژگیهای آثار مکی در این است که وی با ظرافت و دقت در روابط انسانی به نقد ناهنجاریهای سیاسی و اجتماعی که به پریشانی روابط انسانها می انجامد ، می پردازد. طنز تلخ نهفته در بطن آثار مکی که بسیار هنرمندانه پرداخته شده است ، پرهیز او از قضاوت در مورد فیگورهای نمایشنامه هایش ، باعث می شود تا مخاطب بدون اینکه حس کند ، نویسنده در پی تحمیل نظر خویش به اوست ، با فضایی که نمایش ترسیم می کند ، متفکرانه درگیر شود. ابراهیم مکی ، نه از موضع "دانای کل" ، بلکه در رکاب حوادث و شرایط ، منتها در کمال هوش و تیز بینی ، موقعیتی را بازگو می کند.

ابراهیم مکی متعلق به نسلی از تلاشگران فرهنگی و هنری ایران است که ماندگارترین و شکوفاترین دوران خلاقیت هنری (دهه ی چهل) را در تاریخ معاصر ایران رقم زده اند. هر چند نسل امروز ایران ، بدلیل قطع ارتباط ناخواسته توسط خود او و خواسته توسط حکومت اسلامی ، در حال حاضر کمتر در مورد مکی می شنود و می خواند، اما حامل و میراث دار همان جرقه های زاینده و خلاق است که مکی و نسل مکی در تئاتر معاصر ایران بر جای گذاشته اند. ابراهیم مکی علاوه بر نقش مثبتی که در زمینه ی هنری در تئاتر ایران ایفا کرده است، از یک شخصیت ویژه و خاص برخوردار است و آن تواضع اوست . رفتار و کردار بسیار انسانی و احترام برانگیز مکی ، رعایت انصاف او در قضاوت در مورد دیگران ، آلوده نبودن او به بیماری "خود مرکز بینی" ، جزو ویژگیهای شخصیت هنرمند فرهیخته ما ابراهیم مکی است که می تواند و می بایست الگوی نسل جوان هنرمندان ایرانی باشد ، چرا که تنها در این صورت است که ایران رنگارنگ فردا و ایجاد فضا و دیدی گسترده برای رشد همه ی ژانرها و گونه گونیهای درک و ارائه ی اثر هنری و در نتیجه رشد و وسعت جامعه ی هنری ایران را تضمین می کند.

یکی از شخصیتهای نمایش " شتر قربانی " مکی ، شرایط امروز ما را اینچنین بازگو می کند:

" این روزها خبرهای بد، همه جا، دهان به دهان می گردد. خون جلوی چشم همه را گرفته. برادر به روی برادر تیغ می کشد و پدر پسر را راهی مسلخ می کند. بوی سدر و کافور هوای شهر را سنگین کرده است. کلاغهایی که معلوم نیست از کجا سر و کله شان پیدا شده، روی هره ی همه ی دیوارها و بلندی سردر هر خانه ای به کمین نشسته اند و وقتی به پرواز در می آیند، همه جا تاریک می شود. هیچ کس به فکر بغل دستی اش نیست. هر کس یک طعمه ای به نیش گرفته و دارد از یک گوشه ای می رود. آه که چه زمانه ای شده !"

شاید ما می بایست به اوج سیاهی و تاریکی می رسیدیم تا یکبار برای همیشه روزنه ای بسوی روشنایی بیابیم و ابراهیم مکی یکی از آنهاست که ضرورت گشودن روزنه ای و پرهیز از سپردن

خویش بدست "قضا و قدر" سالهاست به ما یادآور می شود. انگار ، امروز ، سرانجام صدایش شنیده می شود .

با احترام فراوان

نیلوفر بیضایی

۲۰ آوریل ۲۰۰۴